

مرحوم حاج محمود اکبرزاده از سال‌های پیش از انقلاب با رهبر معظم انقلاب آشنایی داشتند و در جلسات مذهبی حضور پیدا می کردند. مسجد امام حسن مجتبی(ع) یکی از پایگاه‌های رهبر معظم انقلاب برای برنامه‌های تفسیری و اعتقادی ایشان بود و در شب‌های مختلف سخنرانی‌های آتشین داشتند. استاد اکبرزاده درباره شروع آشنایی خود با رهبر انقلاب می گوید: من با مقام معظم رهبری در مسجد کرامت آشنا شدم و این دوستی تا امروز ادامه پیدا کرده.

شهید هاشمی نژاد، شهید آستانه پرست، شهید کامیاب هم بودند، اما کار‌های حضرت آقا از نوعی دیگر بود. هم‌اکنون خیلی از آن افراد شهید شده یا فوت کرده‌اند، اما ایشان به خواست خدا سردمدار باقی ماندند.

همه زندگی‌شان صرف انقلاب شد. پس از گذشت مدتی فعالیت ایشان با رهبر انقلاب در زمینه انتشار کتاب‌هایی با درون‌مایه دینی ادامه پیدا کرد. وی در این باره می گوید: بنده انتشارات پگاه را در پایین مرکز نشر حقایق

اسلامی داشتم. در آنجا دو نشر به منتشر شد. ابتدا چند سخنرانی از آیت‌ا... طباطبایی با عنوان «بیداری اسلامی» تهیه و چاپ کردیم. کتاب دوم هم جزوهای بود که رهبری مسئولیت ترجمه‌اش را پذیرفتند. ایشان در جلسات تفسیر و به خصوص سخنرانی‌هایشان بدون هیچ ملاحظه‌ای عمل می کرد. به‌شدت شجاع هستند. از همان ابتدا در راستای اعتقادات

دینی با هیچ کس رودرپاستی نداشت. گاهی می‌شد بعداز سخنرانی، اطرافیان می‌ترسیدند و بین خودشان می گفتند: همین حالات است که حسینی را ساواک ببندد و ایشان را بگیرند. خوب به خاطر دارم یک‌مرتبه که حاج‌محمد آقا، برادر مقام معظم رهبری را در خیابان دیدم، همین مسئله را به گوش‌شان رساندم که ایشان در پاسخ به نگرانی ما گفتند: خود آقا شرایط را بهتر می‌دانند.

تأسیس انتشارات سپیده

در اوایل سال ۱۳۴۴ آیت ا... خامنه‌ای در

#### مشوق شاعران برای سرودن اشعار آیینی

**مصطفی محدثی خراسانی** از شاعران برجسته این دیار است که سال‌ها با استاد اکبرزاده آشنایی داشته است.

**مصطفی محدثی** از قالب‌های شعری کلاسیک بیشتر تمایل به سرودن غزل، دوبیتی و رباعی دارد. از محدثی تاکنون چند مجموعه شعر به نام «هزار مرتبه خورشید» و «شاعران پروازی» منتشر شده است.

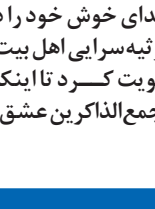
حاج محمود اکبرزاده از نگاهی، در نزد مداحان اهل بیت(ع) چهره منحصر به فردی است. ایشان یکی از مداحانی است که در خراسان که بزرگان شعر قرن اخیر در این شهر بالیده‌اند- کسانی نظیر کمال صاحبکار، قهرمان، باقرزاده و قدسی- مورد احترام بود و او را شعرشناس و ادیب می‌دانستند.

پس از انقلاب حضور ایشان در بین نسل جوان بسیار مؤثر بود و به شعر این نسل جهت می‌داد. ایشان گاهی شعر می‌سرود اما مایل نبود تا این اشعار منتشر شود و بیشتر انتخاب‌های بسیار خوبی در خواندن اشعار داشت. علاقه وافری به اقبال لاهوری داشت و به نقد و تبیین شعر و اندیشه‌های او می‌پرداخت. استاد اکبرزاده تنها چهره ادبیات آیینی است که همگان -شاعران آیینی و غیر آن- به مراتب علمی و معرفتی ایشان اشاره کرده‌اند. آشنایی من با استاد اکبرزاده به سال‌های اول بعد از انقلاب بازمی‌گردد. ما چند نفر، سید عبدا... حسینی، هادی منوری، مصطفی محدثی خراسانی، جلال قیامی، مجید ظافات، غلامعباس ساعی، محمود اکرامی فر، احمد زارعی، فضل... قدسی مرتضی امیری اسفندقه، محمدحسین جعفریان، ابوطالب مقففری، با میانیگن سن بیست سال، حول و حوش سال‌های شصت و دو سه همدیگر را در مشهد پیدا کردیم، زمینه آشنایی ما هم یکی دو مراسم شعرخوانی کشوری بود که در دانشکده ادبیات مشهد برگزار شد و ما هر کدام از گوشه‌ای فراز آمده بودیم که شعر خوانی شاعران مطرح کشور را ببینیم شعرآرانی چون، علی معلم، مشفق کاشانی، محمود شاهرخی، نصرا... مردانی از تهران و از مشهد، غلامرضا قدسی، احمد کامپور، ندیج... صاحبکار، امیر بزرگر، جواد غفورزاده.

پس از مدت‌ها شرکت کردن در جلسات شعری مختلف

#### اکبرزاده از مداحی کسب درآمد نمی‌کرد

**علی خوش‌چهره در سن سال ۱۳۲۰ خورشیدی در مشهد به دنیا آمد و از آغاز کودکی با قرآن مانوس شد. او در جوانی و در کنار شغل بزاز‌ی، از قرآن در زندگی بهره گرفت و صدای خوش خود را در راه منقبت خوانی و مرثیه‌سرایی اهل بیت عصمت و طهارت(ع) تقویت کرد تا اینکه نامش در زمره مجمع‌الذاکرن عشق ثبت شد. هم‌اکنون در**



از راست به چپ: علی خوش‌چهره، محمود اکبرزاده و محمد جواد غفورزاده

**شهر مشهد و در استان خراسان رضوی او را یکی از ذاکرانی می‌شناسند که با فرارسیدن ماه محرم، از حضرت امام حسین(ع) واقعه عاشورا می‌گوید.**

من از سال ۴۰ خورشیدی که مداحی را شروع کردم در جلساتی که شرکت می‌کردیم برخی از مداحان و شاعران را از نزدیک می‌دیدیم. در این جلسات بزرگ‌ترهایی داشتیم که به عنوان مسئول جلسه حضور پیدا می کردند. یکی از این بزرگان مرحوم اکبرزاده بود.

من از ابتدا بازاری و پارچه‌فروش بودم در کنار فعالیت‌های کاری به مداحی نیز می‌پرداختم. مرحوم اکبرزاده نیز یکی از بازاریان خوش‌نام مشهد بود که مغازه مصالح‌فروشی در میدان توحید داشت.

مداحی کردن برای علاقه و عشقمان به اهل بیت(ع) بود و از این راه درآمد کسب نمی‌کردیم.

تأسیس یک بنگاه انتشاراتی مشارکت کردند که ابتدا چند سخنرانی از آیت‌ا... محسن محسنیان، وی رئیس هیئت مدیره آن بود. بنابوداین مؤسسه، پنهانی فعالیت کند، از این رو اساسنامه‌ای در ۴۳ ماده برای آن تدوین شد و تحت عنوان شرکت سهامی انتشارات سپیده، با شماره ۵۴۱ در تاریخ ۱۳۴۴/۲/۹ در دفتر ثبت شرکت‌ها به ثبت رسید و رسمیت یافت.

شرکت از طریق فروش سهام پا گرفت. قبض‌هایی که هر یک یکصد ریال قیمت داشت تهیه شد و به فروش رسید. سهام‌داران با تشکیل مجمع عمومی، هیئت مدیره، مدیرعامل و بزازان را انتخاب کردند.

در اساسنامه، نام هیئت مدیره، بازرسان و هیئت نظارت چنین یاد شده است: سیدعلی خامنه‌ای، محسن محسنیان، حاج کاظم تدین، ابراهیم شایسته، حاج عبدالرضا غنیان، حاج علی طوسی، غلامرضا قدسی، احمد طوسی، حسن قاسمی، حاج محمدابراهیم

**محمدکاظم کاظمی** در سال ۱۳۴۶ در هرات افغانستان متولد شد. او در سال ۱۳۶۳ به ایران آمد و مدرک کارشناسی‌اش را در رشته مهندسی عمران از دانشگاه فردوسی مشهد اخذ کرد. از سوابق او می‌توان به دبیر علمی یازدهمین جشنواره شعر فجر اشاره کرد. «پیاده آمده بودم»، «کفران»، «قصه سنگ و خشت» و «شمشیر و جغرافیا» برخی از آثار اوست.

اوین بار در سال ۶۴ خورشیدی در مراسم شب شعر که در تالار رازی دانشکده پزشکی برگزار شد آقای اکبرزاده را دیدیم. در آخر همین جلسه ایشان شعر خواندند. پس از آن در سال ۶۵ خورشیدی که وارد جلسات شعرسوز هنری شد، دیگر بار ایشان را دیدیم. با اینکه استاد اکبرزاده به عنوان شاعر شناخته نمی‌شد اما یکی از افراد ثابت شرکت کنند در این جلسات بود. به مرور زمان متوجه شدم که ایشان فردی بسیار شعرشناس، شعر‌دوست و مطلع در حوزه ادبیات بود.

حضور سرشار از معنویت و اخلاق و فضل و کرامت حاج محمود اکبرزاده، در جلسات شعر اندک اندک شخصیت ما را دچار تحول می‌کرد و نگاه ما را به شعر ارزشی و آیینی و به‌طور کلی روزگار و زندگی و آداب و معاشرت عمق می‌بخشید، من از مرحوم پدرم شیخ حسن محدثی خراسانی که از شاعران و هم‌دوره‌های تحصیلی جناب صاحبکار و شفیع‌ی کدکنی در مدارس علمیه مشهد بود و تا سال شصت و شش، حیات داشتند، وصف حاج محمود اکبرزاده و تأثیر ایشان بر شاعران و روشنفکر مسلمان مشهد در دهه‌های چهل و پنجاه را شنیده بودم، حاج محمود اکبرزاده با سعه‌صدر مثال‌زدنی، بینش، دانش ژرف، مهر و محبت پدرا نه، و احساس مسئولیتی که در قبال نسل جوان داشت، بیشترین سهم‌رادر شکل‌گیری شخصیت و جهان‌بینی ما داشت. من به عنوان کسی که حدود دو دهه در کانون کشف، پرورش و هدایت شعر جوان خراسان با دیگران دوستان همکاری داشته‌ام و اکنون در سطح کشور با جریان‌ها و مجامع و حوزه‌های شعر در ارتباط هستم می‌گویم و از عهده‌طرش برون می‌آیم که اگر نسل اول و دوم شعر جوان خراسان پس از انقلاب کمتر نسبت به دیگر حوزه‌های شعر کشور دچار آسیب و سردرگمی شده است. بدون تردید این توقیف را مرهون همان جلسات هفتگی هستیم که با حضور حاج محمود اکرزاده و شادروان احمد زارعی برگزار شده است.

مرحوم اکبرزاده نیز در درجه اول به کسب خود می‌پرداخت و پس از آن به فعالیت‌های مداحی ادامه می‌داد. ایشان جزو نمونه‌های یک کاسب خوب در مشهد بود.

جلسه مرکزی ایشان از سال ۴۲ خورشیدی شب‌های چهارشنبه شروع شد و به مدیریت مرحوم ثابت و اکبرزاده ادامه پیدا کرد. پس از اینکه مرحوم ثابت به رحمت خدا رفت مرحوم اکبرزاده مدیریت جلسه را بر عهده گرفت. جلسهای نیز در شب‌های دوشنبه بود که شعرای شهر در آن جلسه حضور می‌یافتند. برخی از مداحان توانمند نیز در این جلسات شرکت می‌کردند.

مرحوم اکبرزاده در سال ۴۲ خورشیدی کتابی با عنوان «حسین پیشوای انسان‌ها» منتشر کردند. در آن کتاب اشعار حماسی، انقلابی با درون‌مایه ظلم‌ستیزی منتشر شد. در این کتاب شعری از

یزدانیان، قاسم سرویها، محمود اکبرزاده، و نیز ماده دوم اساسنامه می‌گفت: موضوع شرکت، نشر کتب و مجلات مفید علمی، تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، دینی و انجام کلیه امور مربوط به آن از قبیل دایر کردن چاپخانه، ایجاد کتاب‌فروشی، برابر قانون تجارت باید عمل شود. انتشارات سپیده به مرور اقدام به چاپ چند کتاب کرد. «فایده و لزوم دین»، اثر محدثی شریعتی؛ «کنگره اسلامی حج» نوشته علی گل‌زاده غفوری؛ «ولایت و زعامت» اثر علامه طباطبایی؛ و چهارمین کتاب «آینده در قلمر و اسلام» بود. غیر از کتاب اخیر، بقیه تجدید چاپ بودند. خیرچین‌های ساواک از تأسیس انتشارات سپیده باخبر بودند و می‌کوشیدند از نشست‌های هفتگی آن گزارش تهیه کنند. از آنجا که شرکت‌کننده‌ها در جلسه‌ها از حضور افراد نامحرم در بین خود جلوگیری می‌کردند، خبرهای تهیه‌شده از آن نشست‌ها، کم و غیر مستقیم بود. برای

#### تأثیر اکبرزاده در گرایش‌های دینی شاعران روشن فکر

داشت و در همان سال‌ها بود که او کتاب «حسین پیشوای انسان‌ها» را که مجموعه‌ای از شعرهای باوشری با رویکرد انقلابی است، گردآوری کرده بود.

استاد اکبرزاده از کسانی بود که با جمع زیادی از اهالی ادبیات نه تنها افراد مذهبی بلکه با انسان‌هایی از طیف روشنفکر نیز ارتباط داشت. در بین شاعران مذهبی و مداحان اهل بیت(ع) بیشترین کسی که با فضای روشنفکری دینی ارتباط داشت ایشان بودند. ایشان ارتباط‌هایی با دکتر شریعتی داشتند. جلال آل احمد هر موقع به مشهد می‌آمد با مرحوم اکبرزاده مراودات نزدیکی داشت. در خاطرم هست که درباره جلال آل احمد و خاطره‌ای درباره تندخوانی او نقل کردند. روزی کتابی در دست داشتیم و مدتی علاقه‌مند به مطالعه آن بودم اما آقای اکبرزاده را دیدیم. در آخر همین جلسه ایشان شعر خواندند. پس از آن در سال ۶۵ خورشیدی که وارد جلسات شعرسوز هنری شد، دیگر بار ایشان را دیدیم. با اینکه استاد اکبرزاده به عنوان شاعر شناخته نمی‌شد اما یکی از افراد ثابت شرکت کنند در این جلسات بود. به مرور زمان متوجه شدم که ایشان فردی بسیار شعرشناس، شعر‌دوست و مطلع در حوزه ادبیات بود.

در این جلسات چند تن از دوستان بیشتر در زمینه نقد شعرها اظهار نظر می‌کردند. یکی از این افراد استاد اکبرزاده بود. شعرشناسی ایشان ناظر به هدف و محتوای شعر بود. در این بین به شاعرانی که به این هدفمندی توجه می‌کردند خیلی علاقه داشتم. یکی از شاعرانی که استاد اکبرزاده با او بسیار توجه می‌کرد اقبال لاهوری بود او از زمان پیدایش جلسات شعر حوزه هنری مشهد از اواسط دهه ۱۳۲۰ تا اواسط دهه ۱۳۷۰ از کسانی بود که همواره سایه‌اش بر سر جلسات برقرار بود. گویا تعهدی در خود احساس می‌کرد برای جهت‌بخشی معنوی و مذهبی به این جمع جوانانی که همین سه عنصر، یعنی مذهب، شعر و آرمان‌های انقلابی آنان را گرد هم آورده بود. شادروان حاج محمود اکبرزاده یزدی را می‌شد «بزرگ مداحان خراسان» دانست؛ کسی که پیوند نیکویی میان سه عنصر «شعر»، «مذهب» و «مبارزه» برقرار کرده بود. او از کسانی بود که در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی در ایجاد حلقه‌های جلسات مذهبی با رویکرد انقلابی و مبارزاتی سهم

مرحوم نگارنده با این مضمون چاپ شد که: از حسین اکتفا به نام حسین /نبود در خور مقام حسین(ع) بلکه بایست خلق دریاوند/ علت اصلی قیام حسین(ع)

مرحوم اکبرزاده حافظه عجیبی داشت. این حافظه مثل دوربین بود به این معنا که بسیار قوی بود و اشعار را بسیار زیاد حفظ می‌کرد و یک بار که به مطلبی نگاه می‌کرد احتیاجی به دوباره نگاه کردن نداشت. اشعار را از حفظ می‌خواند و براساس این حافظه قوی چند کتاب را نیز چاپ کرد مثل «علی(ع) راز ناشناخته» و «هر(اس) گلگونه عفاف».

مرحوم اکبرزاده، نوکر قدیمی اهل بیت(ع) بود و چه بسا می‌توان گفت که شاید از ایشان پیشکسوت‌تر در عرصه مداحی مشهد مقدس و کشور نداشتیم.

ساواک روشن بود که آیت ا... خامنه‌ای، محسن محسنیان، غلامرضا قدسی، کاظم تدین و محمود اکبرزاده از افراد شرکت‌کننده در جلسه‌های هفتگی هستند که درباره مسائل مختلف اجتماعی گفت‌وگو می‌کنند. گزارشگر ساواک متوجه شده بود که انتشارات سپیده «به وسیله آقایان پرویز خرسند دانشجوی سال اول رشته ادبیات فارسی دانشکده ادبیات مشهد و آقای ناصر بازرگان دانشجوی سال اول رشته تاریخ و جغرافیا و آقای سعید پایان دیپلمه بی‌کار با دانشجویان و دانش‌آموزان تماس برقرار می‌کنند و به عنوان چاپ و انتشار رساله‌های دانشجویان و با خواستن کتاب‌های مورد نظر آن‌ها از طهران و طرق دیگر دانشجویان و دانش‌آموزان را به سوی خود و مؤسسه جلب می‌کنند.»

این انتشارات پس از چاپ ۴ کتاب، از سوی حکومت پهلوی توقیف و مجوز آن باطل شد.

**کاظم اکبرزاده** فرزند بزرگ حاج کاظم اکبرزاده از مداحان شهرمان است. وی نیز همانند پدر در مسیر خدمت به اهل بیت(ع) سال‌هاست با

تشویق‌های پدرش توانسته در این مسیر قدم‌های ارزشمندی بردارد.

پدر ما صاحب ۵ فرزند پسر و ۲ دختر بودند. متأسفانه یکی از فرزندان به نام احمد به دلیل ناراحتی قلبی از دنیا رفتند. همه پسران ایشان مداح اهل بیت(ع) هستند و این حوزه تخصصی را ادامه داده‌اند و هر کدام به‌سه نوعی ارادت خود را به اهل بیت(ع) ابراز می‌کنند. سعی کرده‌ایم ادامه‌دهنده راه پدر در مسیر نوکری ائمه(ع) باشیم.

مشوق اصلی ما در گام برداشتن در این مسیر تشویق‌های مهربانانه پدرمان بود و اگر این حمایت‌های پدر نبود به‌طور قطع نمی‌توانستیم در این مسیر تأثیر گذار باشیم. برادر دیگرم در زمینه نوحه خوانی فعالیت می‌کند و بقیه فرزندان در همان سبک و شیوه پدرمان برنامه اجرایی کنند.

از خصوصیات پدرم بزراد اخلاص مثال‌زدنی‌شان بود. در سال‌های متمادی که پدرم برای اهل بیت(ع) نوکری می‌کردند حتی یک ریال درخواست پول برای اجرای برنامه نکردند و همین باعث شد تا حضور ایشان در هر جمعی باعث نشاط و بهرهوری جلسه‌شود.

یکی دیگر از خصوصیات پدرم مبارزه با طاغوت و ظلم در قبل از انقلاب بود. این مبارزه با خواندن اشعار با درون‌مایه‌هایی ضد طاغوتی در جلسات قبل انقلاب شور خاصی ایجاد کرده بود. کتاب «حسین پیشوای انسان‌ها» که تألیف پدرم است

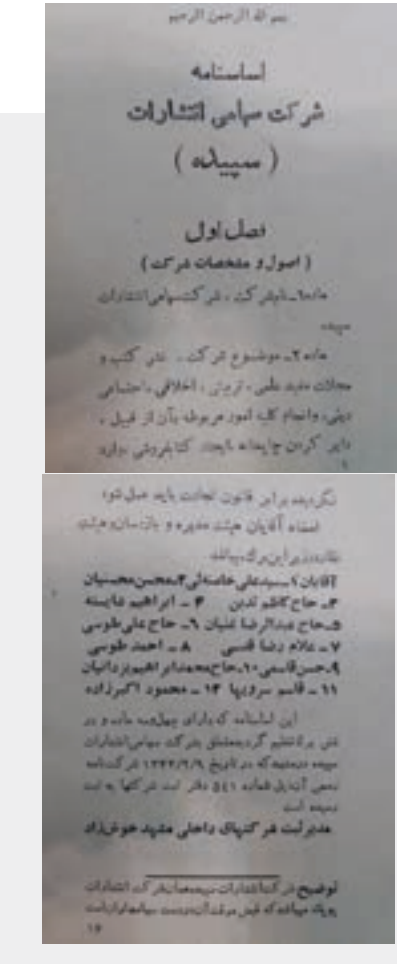
**ابراهیم قانع، مداح کشور، از افرادی است که بیش از ۳۵ سال با مرحوم اکبرزاده ارتباط نزدیک داشته است. وی سال‌ها در جلسات ایشان حضور پیدا کرده و از نکات استادانه او بهره برده است. قانع بارها در حضور مقام معظم رهبری در دیدار مداحان که هر سال به مناسبت ولادت حضرت زهرا(س) برگزار می‌شود به اجرای برنامه پرداخته است.**

آشنایی من با مرحوم استاد اکبرزاده به ۳۵ سال پیش بازمی‌گردد. از همان ابتدا که ایشان را دیدیم شیفته اخلاق، منش و روحیه‌منووی ایشان شدم و در هر جلسه‌ای که شرکت می‌کردم نگاهم به ایشان دوخته می‌شد.

مرحوم اکبرزاده علاقه زیادی به جوان‌هایی که در مداحی تلاش می‌کردند داشتند. ایشان با همان نگاه استادانه خود متوجه این مسائل می‌شدند که کدام مداح آینده‌دار است. وقتی با ایشان صحبت می‌کردیم می‌گفتند: فلان آقا موفق می‌شود زیرا اهل تلاش و کوشش است.

ایشان سفارش‌های زیادی به من و امثال من داشتند و ما سعی می‌کردیم به این نکات جامه عمل بپوشانیم. یکی از این نکات حفظ کردن اشعار بود. چون خودشان در زمینه حفظ اشعار پدیده‌ای مثال‌زدنی بودند سفارش به مطالعه و خواندن اشعار، مقاتل، تاریخ و روایات از مهم‌ترین نکاتی بود که استاد به جوان‌ها توصیه می‌کردند.

از نگاه من استاد اکبرزاده یک پدیده بود که شاید



#### پدرم دل‌داده انقلاب بود

دربارنده اشعار و مطالبی است که دورن‌مایه مخالفت با رژیم پهلوی در آن نمایانگر بود. پس از انقلاب نیز همیشه در دفاع از ولایت فقیه و شهدا پیشقدم بودند و این خستگی‌ناپذیری در دفاع از انقلاب بسیار درخور توجه بود. من به همراه پدر دو مرتبه به‌سه جبهه‌های جنگ رفتم و ایشان برنامه‌های مختلفی برای رزمندگان اسلام داشتند.

یکی دیگر از خصوصیات مهم پدرم سعه صدر در برخورد با دیگران بود. شاید برخی انتقادهایی در زمینه‌های مختلف به پدرم داشتند و حتی منی سیاسی‌شان تقابل آشکاری با نظرات ایشان داشتند اما به هیچ عنوان از مسیر انصاف خارج نمی‌شدند و بر برخورد نامناسبی با مخالفان روش و منش فکری‌شان نمی‌کردند بلکه ارتباط خوب و مهربانانه‌ای با آن‌ها برقرار می‌کردند. اگر کسی سخن ناپسندی پشت سر پدرم می‌گفت با هم در جلسه آن فرد حضور پیدا می‌کردند و این مسئله را نادیده می‌گرفتند. گاهی می‌گفتم: حاج آقا ایشان این حرف‌ها را پشت سر شما گفته است. اما ایشان در پاسخ می‌گفتند: «این حرف‌ها را هر کاهن. باید از این چیزها گذر کرد.»

توصیه پدرم به فرزندان در زمینه تخصص مداحی انتخاب شعر خوب و مناسب و رعایت حرمت اهل بیت(ع) در مجالس مصیبت و شادی‌ها بود. ایشان همیشه به ما می‌گفتند احترام پیشکسوتان عرصه مداحی را داشته باشید و از آن‌ها تجلیل کنید و انیز در این زمینه تلاش لازم را انجام می‌دایم.

پدرم از قبیل انقلاب نیز ارتباط‌های زیادی با رهبر معظم انقلاب داشتند. در خاطرم هست که بارها رهبر انقلاب به مغازه پدرم در میدان توحید حضور پیدا می‌کردند و ساعت‌ها در کنار هم صحبت می‌کردند. در جلسه دیدار مداحان با رهبر انقلاب نیز پدرم حضور پیدا می‌کردند و پس از دیدار به صورت خصوصی خدمت ایشان می‌رسیدند و ذائقهی گفت‌وگو می‌کردند.

#### استادی صاحب‌نفس، معلمی وارسته

تا سالیان سال کسی مانند ایشان ظهور نکند. این مسئله در حوزه‌های مختلف ظهور کرده بود. تخصص زیاد ایشان در ادبیات فارسی و شعر بسیار نیازمند بود. شعرشناسی ایشان بسیار توجه بود. بارها و بارها جوانان اشعار بسیار خوبی می‌خواندند و ما گمان می‌کردیم کسی نمی‌تواند این شور را دوچندان کند اما استاد اکبرزاده با گفتن نکاتی از هوشمندان اشعار زیبا با همان نفس منووی‌شان سبب می‌شد تا جلسه شوری زایدالوصف پیدا کند.

ایشان به معنای واقعی استادی صاحب نفس و معلمی وارسته بود. من در سال‌های متمادی آشنایی با استاد همیشه از محضرشان بهره‌ر می‌آیدم. از هوشمندان اشعار زیبا با همان نفس منووی‌شان سبب می‌شد تا جلسه شوری زایدالوصف پیدا کند.

حاج آقای اکبرزاده ویژگی‌های بزرگی در مدیریت جلسه داشتند. حتی تا آخرین سال‌های عمر عصازنان به جلسه تشریف می‌آوردند و این نظم حضور افراد جلسه عنایت داشتند. حتی افرادی که تازه مداحی را شروع کرده بودند مورد التفات ایشان قرار می‌گرفتند و فرقی بین افراد حاضر در جلسه نمی‌گذاشتند.